

نشانه‌شناسی در ادبیات معاصر

پروین احمدی^۱

چکیده

اصطلاح نشانه و به تبع آن انواع نشانه از جمله نماد (symbol)، برای اولین بار توسط چارلز سندرز پیرس (Charles Sanders Peirce: 1839-1914)، فیلسوف پراگماتیست آمریکایی و با تقسیم سه‌گانه‌ی نشانه توسط او وارد ادبیات علمی دوران مدرن شد و مورد استفاده در علوم گوناگون قرار گرفت. پیرس، برخلاف سوسور نه به خود نشانه، بلکه به فرایند تولید و تفسیر نشانه‌ها یا نشانه‌پردازی Semiosis توجه دارد و آن را در کانون نظریه‌ی نشانه‌شناختی خود قرار می‌دهد. حال واژه‌ها نیز یک ژانر هنجارگیز و نوظهور در ادبیات ایران است که در آن به فرایند تولید و تفسیر نشانه‌ها توجه بسیار شده. در واقع در ژانر واژه‌ها هر کلمه از معنای اولیه‌ی خود فراروی می‌کند، معنای ثانویه‌ای را به دست آورده و به نشانه‌ای مبدل می‌گردد. در این مقاله ما تلاش کرده‌ایم انواع نشانه‌های سه‌گانه‌ی پیرس را در متون واژه‌یابی و به تفسیر نشانه‌شناسی واژه‌ها بر مبنای نظریات پیرس پردازیم. ژانر واژه‌ها یکی از هنجارگیزترین نوع نوشتار در ادبیات ایران است که انواع نشانه‌های پیرس را در خود برجسته ساخته و یک ژانر دلالت‌مند با تأکید بر انواع نشانه‌ها در ادبیات است.

واژه‌های کلیدی: واژه‌ها، نشانه‌شناسی، پیرس، تفسیر نشانه.

مقدمه

نشانه‌شناسی به بررسی فرایند پیدایش نشانه‌ها، نحوه‌ی دلالت آن‌ها و کاربردهای آن می‌پردازد. نشانه‌شناسی پیرس دارای ابعاد بسیار وسیعی است و نظر وی در مورد نشانه‌ها را می‌توان یکی از مبانی اصلی کل فلسفه‌ی وی دانست. چارلز سندرز پیرس هم به عنوان یکی از مؤسسان مکتب اصالت عمل (پراگماتیسم) و هم به عنوان بنیان‌گذار نشانه‌شناسی معروف است. (غفاری و رضوی، ۱۳۹۰: ۲۸)

به طور کلی برخلاف معناشناسی که فقط به بررسی معنای کلمه‌ها اختصاص می‌یابد، نشانه‌شناسی به بررسی سایر انواع نشانه‌ها می‌پردازد. از این رو، مفاهیم، صداها، حرکات و... می‌توانند نشانه محسوب شوند و برعکس بحث دلالت که بر نظام دوگانه یعنی نشانه و نحوه‌ی دلالت آن استوار است، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نشانه‌شناسی پیرس، بررسی نشانه بر اساس درک سه‌گانه یا سه‌بعدی از آن است. پیرس هر شئی را که به گونه‌ای اطلاعی می‌دهد، نشانه می‌داند. این تعریف بسیار گسترده و نه تنها شامل امور بیرونی (حقیقی و قراردادی) مانند قوانین علمی یا علائم جاده است بلکه امور مربوط به انسان مانند صوت، افکار و احساسات، زبان اشاره و... را نیز در بر می‌گیرد. ناروېود همی تحقیقات و همی اندیشه‌ها نشانه است و حیات اندیشه و علم همان حیات منظوری نشانه‌هاست. (peirce, 1906: 2)

پیرس چنین می‌اندیشید که تمام عالم سرشار از نشانه‌هاست و حتی احتمال می‌داد که شاید عالم صرفاً از نشانه‌های مختلف تشکیل شده باشد. (همان)

از نظر سوسور نشانه، ماهیتی دوگانه دارد که یک طرف آن دال یا تصویر آوایی واژه و سوی دیگرش مدلول یا تصویر ذهنی و مفهومی آن است. هیچ یک از این دو به تنهایی نشانه نیستند بلکه رابطه‌ی ساختاری متقابل و هم‌بسته‌ی آن‌ها که دلالت خوانده می‌شود، نشانه را به وجود می‌آورد.

پیرس، برخلاف سوسور نه به خود نشانه، بلکه به فرایند تولید و تفسیر نشانه‌ها یا نشانه‌پردازی Semiosis توجه دارد و آن را در کانون نظریه‌ی نشانه‌شناختی خود قرار می‌دهد. نشانه‌پردازی مستلزم سه عنصر نشانه، مصداق و تعبیر است. فرایند نشانه‌پردازی نشانه‌ها را با مصداق پیوند می‌دهد. در این فرایند، نشانه چیزی است که به جهتی و به عنوانی، در نظر کسی، به جای چیزی می‌نشیند. در نتیجه مشاهده می‌کنیم که نظریه‌ی نشانه‌شناختی پیرس مبتنی بر کنش و روابط سه‌گانه‌ی Trichotomy عناصر است و نمی‌توان آن را به رابطه‌ی دوگانه‌ی مورد نظر

سوسور تقلیل داد. رشته‌ی مطالعاتی که او «نشانه‌شناسی» نامید «نظریه‌ی صوری نشانه‌ها» بود که با منطق ارتباط نزدیکی داشت. (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۶)

«برخلاف الگوی سوسوری نشانه، پیرس الگویی سه‌وجهی را معرفی کرد:

– باز نمون (نمود): صورتی که نشانه به خود می‌گیرد (و لزوماً مادی نیست).

– تفسیر (تعبیر): نه تفسیرگر بلکه معنایی که از نشانه حاصل می‌شود.

– موضوع (ابژه): که نشانه به آن ارجاع می‌دهد.» (سجودی ۱۳۸۷، ص ۲۷)

پیرس نشانه‌ها را به سه دسته‌ی معروف شمایل (Icon)، نمایه (Index) و نماد (Symbol) تقسیم کرده است. از نظر او «نشانه زمانی نشانه است که قابلیت انتقال به نشانه‌ای دیگر را که به او قدرت شکوفایی ببخشد، داشته باشد».

هدف این مقاله روشن ساختن ویژگی‌های نشانه‌شناسی پیرس است در واژه‌ها که یک ژانر نوظهور به شمار می‌آید. می‌خواهیم بدانیم واژه تا چه حد توانسته ویژگی‌های نشانه‌شناسی پیرس را در خود به نمایش بگذارد و آن‌ها را کاربردی کند.

بحث و بررسی

سه‌گانه‌های پیرس:

شمایل (icon)

آیکن واژه‌ای برآمده از یونانی (eikon) است، به معنای شمایل و تصویر. در نشانه‌شناسی پیرس، طبقه‌ای از نشانه‌ها دیداری و شنیداری است که به وسیله‌ی جنبه‌های تقلیدی آشکار و از طریق شباهت‌ها با ویژگی‌های مشترک در رابطه‌ای مستقیماً محسوس با موضوع بازنمون شده قرار دارد؛ مانند نمودارها، طرح‌ها، شکل‌ها، علائم راهنمایی و رانندگی و نیز بازنمایی موسیقایی صداها. (bussmann, 2006: 530) دال به علت دارا بودن بعضی کیفیات مدلول، شبیه آن است، مثل نقاشی چهره، فیلم، کارتون، ماکت، نام‌آوا، استعاره، تقلید صدا، جلوه‌های صوتی در نمایش‌های رادیویی، دوبله‌ی فیلم و اشارات تقلیدی. (چندلر، ۱۳۸۷، ۱۹۷) شباهت میان یک نقشه و محیط

جغرافیایی که نشان می‌دهد، شمایل است. (abrams, 2009: 324) در نشانه‌های شمایی، نشانه از بعضی جهات (شکل ظاهری، احساس، صدا یا بو) مشابه موضوع خود است. به عبارتی، برخی کیفیات موضوع را دارد. (سجودی، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۶) پیرس نشانه‌های شمایی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- تصویر: در تصویر، رابطه‌ی نشانه و موضوع آن مبتنی بر مشابهت تصویری است. (سجودی، ۱۳۹۳: ۲۸) ایماژها نشانه‌هایی تصویری هستند که با موضوع/ابژه‌ی مربوطه از کیفیت‌ها و مشخصه‌های مشترک ساده‌ای برخوردارند... اشیایی که ما بر حسب عادت آن‌ها را ایماژ می‌خوانیم از قبیل نقاشی‌های چهره، شامل مجموع ویژگی‌هایی هستند که مشترک بین موضوع و نشانه‌اند... به مفهوم شناختی آن، ایماژها تنها نشانه‌های تصویری و دیداری نیستند بلکه هر نوع کیفیت حسی یا ترکیب‌هایی از آن‌ها را نیز که موضوع را تجسم بخشیده شامل می‌شود؛ برای مثال می‌توان از ایماژ صوتی نام برد. (یوهانس و لارسن، ۱۳۸۸: ۷۶)

۲- نمودار: در نمودار، رابطه‌ی قیاسی بین نشانه‌ها و موضوع آن برقرار است. در نمودار هیچ تشابه حسی بین نمودار و موضوع آن وجود ندارد بلکه شباهت بین روابط اجزای هر یک است. (سجودی، ۱۳۹۳: ۲۸) نمودارها در تقابل با ایماژها نسبت به موضوع/ابژه‌ی خاص (چه واقعی و چه تخیلی) از استقلال بیشتری برخوردار هستند... یک نمودار نیاز ندارد روابطی را نشان دهد که به دنیای مادی مربوط می‌شود بلکه می‌تواند نمایانگر روابط منطقی و عقلانی باشد.

همه‌ی انسان‌ها فانی هستند، سقراط یک انسان است ← سقراط فانی است.

نشانه‌های تصویری، به ویژه نمودارها تن به آزمایش و تجربه می‌دهند و دیگر این که نمودارها و تا حدی ایماژها _ به این مفهوم که روابط می‌توانند به بیش از یک شیوه نشان دهند_ قراردادی و وضعی هستند... (یوهانس و لارسن، ۱۳۸۸: ۷۸-۸۰)

۳- استعاره: در استعاره رابطه‌ی مشابهت، مبتنی بر تشابهی است که کاربر استعاره، بین مؤلفه‌های معنایی دو وجه کلام استعاری برقرار می‌کند. (سجودی، ۱۳۹۳: ۲۸)

بر اساس نظریه‌ی پیرس، استعاره‌ها نشانه‌هایی هستند که ویژگی نموداری یک بازنمون را از طریق نمایاندن یک تقارن و توازی در چیزی دیگر نشان می‌دهند. در واقع «استعاره، رابطه‌ی بین دو نشانه است که در آن ویژگی بازنمونی نشانه‌ی نخست در نشانه‌ی دوم تجلی می‌یابد؛ برای مثال، تب یک بیماری محسوب نمی‌شود بلکه نمایی و

یا شناساگر یک بیماری است. دماسنج حرارت را به صورت یک نشانه‌ی نو یا به عبارتی، ارتفاع ستون جیوه جلوه‌گر می‌سازد. ما از این نشانه‌ی تصویری جدید استفاده می‌کنیم زیرا حرارت را می‌توان احساس کرد اما نمی‌توان دید، در حالی که ستون جیوه را می‌توان دید اما نمی‌توان احساس کرد. (همان: ۸۰-۸۱)

نمایه (Index)

«ایندکس، واژه‌ای لاتینی به معنی چیزی است که نشان می‌دهد؛ شاخص در نشانه‌شناسی پیرس، طبقه‌ای از نشانه‌هاست که در آن رابطه‌ی نشانه و آن چیزی که مطرح می‌کند بر مبنای قرارداد (سمبل) یا شباهت (آیکن) نیست اما بر مبنای رابطه‌ی مستقیماً طبیعی یا علی است. ایندکس ممکن است برآمده از علائم چیزی باشد که ارائه می‌کند. دریافت یک نشانه‌ی ایندکسیکال ممکن است بر پایه‌ی تجربه باشد. تب ایندکسی برای بیماری و دود ایندکسی برای آتش است.» (bussmann, 2006: 551) نشانه‌های طبیعی (دود، ضربان قلب، خارش، رعد، جای پا، انعکاس صدا، طعم‌ها و بوهای غیرمصنوع)، ابزارهای اندازه‌گیری (بادنما، دماسنج، ساعت، الکل‌سنج و مشابه و مشابه آن)، علائم اخباری (در زدن، زنگ، تلفن)، اشارات (اشاره با انگشت، تابلوهای راهنمایی)، انواع ضبط (عکس، فیلم، تصاویر فیلم‌برداری شده‌ی ویدیویی یا تلویزیونی و صوت ضبط شده) و... همگی نمونه‌هایی از نمایه هستند. (چندلر، ۱۳۸۷: ۶۶) و نیز (سجودی، ۱۳۹۳: ۲۵)

نماد (symbol)

سمبل واژه‌ای است برآمده از یونانی symbol به معنی علامت و آن چه که در اثبات شناخت و هویت چیزی است، در نشانه‌شناسی پیرس، طبقه‌ای از نشانه‌هاست که در رابطه‌ای صرفاً قراردادی با مدلول خود قرار دارد. معنای یک سمبل، درون یک فرهنگ یا زبان مشخص بنیان نهاده می‌شود. سمبل‌ها هم در نشانه‌های زبانی و هم در اشاره‌هایی که حالت‌هایی از خطاب به کسی هستند، وجود دارند. هم چنین در بازنمون‌های دیداری دیده می‌شوند مانند کبوتر که سمبل صلح است. (bussmann, 2006: 1157) سمبل با موضوع خود در یک رابطه‌ی دلالتی خاص قرار دارد، آن هم تنها از طریق قراردادی که به شیوه‌ای خاص تفسیر خواهد شد. (malmkjar, 2002:)

نشانه‌شناسی پیرس و واژانه

با توجه به انواع نشانه‌ها در الگوی نشانه‌شناسی پیرس اثر زیر را بررسی می‌کنیم:

«جنس دوم»

مرد تختخواب

گیلاس

گیلاس

فرشته‌ی کبود

□□

زن گل‌سنگ

قطره

قطره

اشک تبور.

«نیلوفر مسیح» (آذریک و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷۱)

اگر در واژه‌ای فوق دقت شود اسم اثر جنس دوم است. جنس دوم نام کتابی است از سیمون دوبووار نویسنده‌ی فمینیست و اگرستانسیالیست که در آن مردان را جنس اول و زنان را در روند تاریخ جنس دوم معرفی کرده است. در این متن نویسنده با محتوای این اثر رابطه‌ی بینامتنی برقرار کرده و خود نشانه‌ای است که به صورت قراردادی با محتوا و هدف این کتاب رابطه‌ی دال و مدلولی برقرار کرده و تبدیل به یک نماد شده است. جنس دوم = نشانه / زن در جهان = مدلول یا موضوع / از حق و حقوق خود محروم شدن = مفسر یا تفسیر کننده یا دلالت. در اپیزود اول با نشانه‌ی مرد روبه‌رو هستیم. مرد در این متن با توجه به دلالت اولیه همان نرینه یا جنس نر است اما با توجه به دلالت ثانویه از رابطه‌ی دال و مدلولی معمول فرا رفته و به یک نشانه تبدیل شده است. نشانه‌ای که با توجه به ارتباط آن با سایر نشانه‌ها در متن یک فرد شراب‌خوار و شهوت‌طلب می‌باشد. تختخواب در رابطه‌ی دال و مدلولی وسیله‌ی راحتی و آسایش است که در این جا تبدیل به نشانه شده، نشانه‌ای از نوع استعاری با وجه شبه کسب آرامش اما در این متن علاوه بر این رابطه‌ی دال و مدلولی به امر دیگری نیز اشاره دارد و معنای دور و استعاری آن مورد توجه نویسنده است. تختخواب علاوه بر مکان امنی برای استراحت و کسب آرامش مکانی برای تمتع از جنس مخالف و کسب آرامش و آسایش جنسی نیز هست. پس تختخواب یک نشانه است و به موضوع خاصی فراتر از رابطه‌ی دال و مدلولی اشاره دارد و دلالت خاص را بیان می‌کند. تختخواب = نشانه / کسب آسایش و آرامش = موضوع / کسب آسایش و آرامش از جنس دیگر = دلالت. گیلان وسیله‌ای شیشه‌ای است که در آن مایعات و مخصوصاً شراب نوشیده می‌شود. تکرار کلمه‌ی گیلان وجه شبه‌ی با مدام سر کشیدن شراب در افراد شراب‌خوار دارد و از این لحاظ می‌تواند یک نشانه‌ی شمایی باشد.

فرشته‌ی کبود در این متن با تصویر ایجاد شده رابطه‌ی علت و معلولی دارد؛ یعنی فرشته‌ی کبود معلول علت پیشین است که شراب‌خواری و شهوت‌طلبی مرد بود. پس فرشته‌ی کبود نشانه‌ای از نوع نمایه‌ای است زیرا تمام کلمات پیشین دال‌هایی هستند که فرشته‌ی کبود مدلول آن‌هاست و رابطه‌ی بین این دال و مدلول بر اساس علت و معلول بوده در نتیجه فرشته‌ی کبود نشانه‌ی نمایه‌ای می‌باشد.

در اپیزود دوم نیز زن نشانه‌ای است که در دلالت اولیه خبر از جنس مؤنث می‌دهد اما در دلالت ثانویه و زبان ادبی به یک نشانه تبدیل شده که موضوع و دلالت دیگری را می‌طلبد. زن = نشانه / تمام زنانی که از حقوق خود محروم شده‌اند = موضوع / دلالت و تفسیر کننده = جنس دوم و شی‌وارگی زن در جهان امروز.

پس زن در این متن یک نشانه‌ی نمادین است که بر حسب قرارداد به امر و پدیده‌ای دور اشاره دارد. گل‌سنگ استحاله و استعاره‌ای دیگر از کلمه‌ی تختخواب است؛ یعنی تنها جایی که مرد و زن باید در کنار هم به آسایش و آرامش و هم‌زیستی برسند. پس تختخواب در این متن به نشانه‌ی دیگری تبدیل شده و گل‌سنگ دال یا نشانه است که آن هم به نوبه‌ی خود به نشانه‌ها و مدلول‌های دیگری اشاره دارد.

گل‌سنگ یک نماد و سمبل و نشانی از صبوری، تحمل و زندگی و هم‌زیستی دو موجود ناهمگون و ناهم‌جنس دارد. در این متن تختخواب دال و گل‌سنگ مدلول است که خود به دال دیگری تبدیل شده و این دال یک نشانه است که به موضوع تحمل و بردباری و تفسیر زن صبور و درد کشیده ارجاع و دلالت دارد.

قطره‌قطره به خاطر وجه شبیهی که با ریختن قطرات اشک دارد یک نشانه از نوع شمایی است و حتی می‌تواند اشاره‌ای ناملموس به قطره‌قطره تمام شدن مرد و گیلان شراب داشته باشد و در نهایت اشک تنبور با تصویر ایجاد شده در اپیزود اول و دوم رابطه‌ی علت و معلولی برقرار کرده و معلول تمام دال‌های متن است و تمام نشانه‌ها به آن ارجاع دارند.

اما رابطه‌ی بین گل‌سنگ که نماد بردباری و تحمل است با اشک تنبور در چیست؟ تنبور یک نشانه‌ی نمادین بوده که در نزد عرفا نشان کسانی است که صبور و عارف و آگاه شده‌اند. زن در این متن هم چون گل‌سنگ آگاه از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز (بین قارچ و جلبک) در این جا زن و مرد است که دو جنس به ظاهر متضاد و مخالف هستند و در شرایط نامساعد در کنار هم زندگی می‌کنند. این شرایط سخت سبب تولید صدا و ناله‌ی محزون تنبور شده است. اشک تنبور که به صورت کاملاً استعاری جانشین اشک زن شده در نهایت می‌تواند به صورت استعاری اشاره‌ای دور به زن داشته باشد. مثلاً تنبور = نشانه / موضوع = یک ساز که ایجاد هیجان و شور می‌کند / دلالت = روحانیت و تقدس موجودی به نام زن یا جنس دوم که به شیء تبدیل شده است.

در ادامه‌ی نشانه‌شناسی پیرس به تحلیل نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و نمادینی در متون واژانه خواهیم پرداخت.

همان طور که قبلاً هم گفته شد در نشانه‌های شمایی رابطه‌ی دال و مدلول بر اساس شباهت و مشابهت شکل گرفته است، مثل عکس یا تصویر شخص نسبت به خودش، اما نشانه‌های نمایه رابطه‌ی دال و مدلول بر اساس علت و معلول است مثلاً دود علامت آتش بوده و در نهایت نشانه‌ی نمادینی که رابطه‌ی دال و مدلول بر اساس قرارداد است. هر چند دوسوسور رابطه‌ی بین دال و مدلول را در نشانه‌ی نمادین طبیعی و ذاتی می‌داند اما پیرس

این رابطه را کاملاً قراردادی می‌پندارد، برای مثال پلک چشم پریدن یک نماد است و رابطه‌ی بین پریدن پلک و مهمان آمدن کاملاً قراردادی‌ست و این امر به سمت نماد شدن حرکت کرده است.

در زبان ادبی معمولاً زبان بر دلالت ثانویه استوار است. در بررسی نشانه‌شناسی هم همین طور. در دلالت اولیه همه‌ی نشانه‌های زبانی قراردادی‌اند و از این رو نمادینند؛ ولی در دلالت ثانویه تمامی نشانه‌های زبانی قراردادی نیستند مثلاً واژه‌ی ماه در دلالت اولیه به یک جرم آسمانی اشاره دارد اما در زبان ادبی این جرم سماوی دوباره تبدیل به دال می‌گردد که بر مدلولی متناسب با اندیشه‌ی شاعر و زمینه‌ی مورد نظرش دلالت می‌کند.

یا مثلاً در «سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند / همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند» سرو نوعی درخت است که در هر متنی ممکن است به کار برود ولی تفسیر آن معشوق است که بر اساس مشابهتی دور معنای استعاری به خود گرفته و نشانه شده است.

نکته‌ی دیگر این که نشانه‌های شمایی مفهوم استعاره و استعاره‌گونه‌ها مثل سمبل، تمثیل، رمز و... در نشانه‌های شمایی نوشتاری بسیار نزدیک است.

نشانه‌ی زبانی که همان واژه است معادل لفظ متعار است و موضوع این نشانه‌ی نمادین زبانی معدل متعار منه و متعار له مدلول یا تفسیر است. (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۶۰)

مثلاً لفظ شیر = متعار

حیوان درنده بودن شیر = متعار منه

اشاره به شجاعت = جامع استعاره

و اگر شجاعت اشاره به شجاعت انسان داشته باشد = متعار له، پس لفظ شیر نشانه‌ای شمایی و نمادین است. نکته‌ی جالب این جاست که هنگامی یک متن ادبی‌تر است که توانایی بالقوه‌ی نشانه‌های شمایی را ماهرانه به کار ببرد و معنای خود را در قالب واژه‌ها بگنجاند. از آن جا که اساس استعاره بر تشبیه استوار است باید توجه داشت که تشبیه‌ها نیز در گروه نشانه‌های شمایی قرار می‌گیرند.

استعاره در نظر ریکور نشانه‌شناس دیگر ابزار شایسته‌ای است که برای نمادپردازی در متن زبانی که توسط استعاره بارور شده باشد، دیگر آرایه‌ای کلامی و ادبی نیست بلکه امکان گشایش دنیاهای جدید را برای ما فراهم می‌کند مثلاً نور قرمز چراغ راهنما در یک چهارراه نمود یا نشانه است.

توقف وسیله‌ی نقلیه = موضوع

و این فکر که چراغ قرمز نشان می‌دهد که وسایل نقلیه باید بایستند تفسیر است.

بنابراین معنی نشانه، نشانه‌ای دیگر است یا به زبان ساده‌تر معنای نشانه حاضر نیست. برای نمونه دقت کنید به چند نشانه‌های شمایی در اشعار مولوی: «از عشق گردون موه تلف، بی‌عشق اختر منخسف / از عشق گشته دال الف، بی‌عشق الف، چون دال‌ها.» (مولوی، ۱۳۶۳: ۴۹)

در این شعر عشق کاری می‌کند که دال کوژ چون الف راست‌قامت و استوار شود و آن جا که عشقی نیست الف راست‌قامت چون دال دو تا و خم می‌شود.

دال گشتن الف و الف شدن دال بر اساس وجه شبه مطرح نشده است اما شمایی از گونه‌ی تصویر است. (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۶۰)

«میخ عاشق»

خورشید

روح کلمه

فرامرد

کبوتر

گل پنج‌پر.

«آریو همتی» (آذریک و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷۲)

در مورد واژه‌های فوق سعی شده است در ساختار آن و طرز چیدمانش وجه شبه‌ی بین صلیب و شکل صلیب ایجاد شود بنابراین می‌توان گفت که در این واژه‌ها نیز از نشانه‌ی شمایی از نوع تصویری استفاده شده.

گل پنج‌پر یک نماد بوده که رابطه‌ی دال و مدلول در آن بر اساس قرارداد است. خورشید نمادی است که در دلالت اولیه جرمی نورانی در آسمان بوده اما در دلالت ثانویه به یک دال تبدیل شده است که به مدلول دیگری اشاره دارد.

پس خورشید و گل پنج‌پر در جرگه‌ی نشانه‌های نمادین قرار می‌گیرند مثلاً در نزد عرفا و ادبیات اسطوره‌شناختی، خورشید نماد و نشان مسیح است که در آسمان چهارم اقامت دارد یا در مثال زیر: «هم ری و بی و نون را کرده است مقرون به الف / در باد دم اندر دهن تا خوش بگویی ربنا.» (همان: ۷۵)

حروف یاد شده در مصرع اول چون با هم در پیوند قرار گیرند ربنا می‌شوند.

شاعر رابطه‌ی مجاورتی حروف الفبا را اساس کار خود قرار داده، بنابراین نمونه‌ی فوق رویکرد نشانه‌ی نمایه‌ای دارد. (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۶۰)

«علمدار»

باد. بیرق‌های سرخ

آب مشک

□□

شبهه‌ی باد ابرها

ق

ط

ر

•

ق

ط

ر

•

لاله‌های سرنگون.

«نیلوفر مسیح» (آذریک و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷۳)

یا در نمونه‌ی فوق مجاور هم قرار گرفتن حروف ق/ط/ر/ء رابطه‌ی مجاورتی حروف الفبا تشکیل یک نشانه‌ی نمایه‌ای داده است.

معلم:

الف

ب

پ

ت

ج

□□

شاگردان:

انانیت

عشق

آزادی.

«رحمت غلامی» (آذریک و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷۳)

یا در مورد فوق که حضور و مجاورت کلمات باعث ایجاد پیوندی شده است و تشکیل یک نشانه‌ی نمایه‌ای را داده است. در واقع رابطه‌ی بین حروف و یک تخته‌سیاه که در آن کلمات به این صورت نگارش یافته است یک تشبیه است در نگاه اول این نشانه می‌تواند نشانه‌ی شمایی نیز باشد و البته هست.

در نگاه دیگر بین حروف رابطه‌ی علت و معلولی نیز برقرار است. هر حرف اشاره به فردی در اجتماع دارد و در نهایت اجتماع و کلیت آن‌ها تشکیل انسانیت را خواهد داد؛ بنابراین گاهی اوقات مرزی بین این نشانه‌ها وجود ندارد و شاعر این مرز را تعیین می‌کند.

«ذبیح»

- تو؟

- ستاره

- آسمان؟

- هفتم

- این جا؟

- فریاد

- نمی‌ترسی؟

[لبخند]

[لبخند]

غریبه جاده

مخاطب سکوت

ششمین همایش ملی نقد و نظریه ادبی

دانشگاه هنر کاووس ۸ آذر ۹۶

□ □ □ □

مخاطب مخاطب

غریبه

مخاطب مخاطب

□ □ □ □

- او؟

- قربان! ستاره

- ..؟

- فریاد یک

- [غرش

غرش]

زندانیان

_ چشم امیر!

□ □

دیوار دیوار

ستاره

دیوار دیوار

□ □

دیوار دیوار

دیوار دیوار

«زرتشت محمدی» (آذریک و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷۴)

در نمونه‌ی فوق نیز مابین دیوار و طرز چیدمان دیوار در این متن وجه شبهی وجود دارد. دیوار همیشه احاطه کننده است و از چهار گوشه تشکیل شده. نویسنده مابین این خصلت از دیوار و طرز نوشتار آن برای القای معنی محدودیت و یا تنها چیزی که از یک انسان باقی می‌ماند، شباهت‌هایی را یافته و این شباهت را در قالب یک تصویر پدیدار ساخته است.

پس چنین طرز چیدمانی می‌تواند یک نشانه‌ی شمایلی از نوع تصویری باشد که نویسنده آن را به نحو خوبی برای انتقال معنا به خدمت گرفته است. دیوار حتی می‌تواند به سمت نشانه‌ی نمادین هم حرکت کرده باشد و در دلالت اولیه چیزی جز سنگ و خشت و یک حائل نیست اما در دلالت ثانویه‌ی خود به یک نشانه تبدیل شده و درصدد القای معنی بکر و تازه‌تری است. پس می‌تواند یک نشانه‌ی نمادین هم باشد.

نتیجه‌گیری

در بررسی انجام‌شده، مشخص شد که کلمات در یک واژه‌نامه علاوه بر معنای اولیه، معنا و معناهای ثانویه‌ای کسب کرده‌اند که قابل دلالت است و می‌توان به صراحت گفت که در مثلث نشانه‌شناسی (شیء، نشانه، تعبیر) هر یک از کلمات در واژه‌نامه نیز به مرحله‌ی تعبیر رسیده‌اند و علاوه بر معنای اولیه دارای معنای ثانویه‌ای شده‌اند که دلالت‌مند هستند. علاوه بر این در واژه‌نامه می‌توان با انواع نشانه‌های شمایل، ایندکس و آیکن برخورد کرد. نکته‌ی آخر این که واژه‌نامه به هیچ وجه تابع نشانه‌شناسی دال و مدلولی سوسور نیست و به شدت از آن فراروی می‌کند اما به خوبی توانسته است که تعریف پیرس از نشانه و نشانه‌های سه‌گانه را در خود به نمایش بگذارد.

منابع

- آملی رضوی فر (نوواگلیز) - دکتر حسین غفاری. (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی پیرس در پرتو فلسفه، معرفت‌شناسی و نگرش وی به پراگماتیسم». *نشریه‌ی فلسفه*. سال ۳۹، (شماره‌ی ۲).
- آذریک، آرش و همکاران. (۱۳۹۶). *چشم‌های بلند و کلمه - کلید جهان مولوگرافیک* - جلد ۱، چاپ اول. تهران: روزگار.
- چندلر، دانیل. (۱۳۸۷) *مبانی نشانه‌شناسی*. مهدی پارسا. چاپ سوم. تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.
- حیدری، مرتضی. (۱۳۹۵). «نشانه‌شناسی نگرش‌های حروفی مولانا در کلیات شمس تبریزی». *متن پژوهی ادبی*. سال ۲۰، (شماره‌ی ۶۷).
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۸). *نشانه‌شناسی، نظریه و عمل*. چاپ اول. تهران: انتشارات علم.
- _____ (۱۳۹۳). *نشانه‌شناسی کاربردی*. چاپ سوم. تهران: نشر علم.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۳). *کلیات شمس*. چاپ دهم. تهران: امیرکبیر.
- مهدویان، مهری‌السادات. (۱۳۸۶). *بوطیقای عربیان*. چاپ اول. سلیمانیه: نشر لینا.
- یوهانس یورگن دینس، سوند اریک لارسن. (۱۳۸۸). *نشانه‌شناسی چیست؟*. علی میرعمادی. چاپ دوم. تهران: انتشارات ورجاوند.

Abrams, M.H. and Geoffrey Galt Harpham. (2009). *A Glossary of Literary Terms*. Boston: Wadsworth Cengage Learning

Bussmann, Hadumod. (2006). *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*. translated and edited by Gregory Trauth and Kerstin Kazzazi.

London and New York: Routledge

Malmkjær, Kirsten, ed. (2002). *The Linguistic Encyclopedia*. London and New York: Routledge

-Peirce, C. S. 1906, *The basis of Pragmaticism*